



میر عبدالواحد سادات

فقر دروازه کفر است :

هفدهم اکتوبر بر اساس فیصله سال (۱۹۹۲ م) سازمان ملل متحد :
« روز جهانی ریشه کردن فقر است »

اما عنوان این یادداشت متاسی ازین حدیث پیغمبر اسلام است که : « کادالفقر ان یکون کفرا » (فقر به کفر می انجامد) .

البته تاجران دین (دین فروشان) در طول تاریخ و در صد سال اخیر افغانستان ، هر کسیرا که در باره علل و ریشه فقر صحبت نموده است ، صاف و ساده به کفر متهم و او را کمونیست خوانده اند :
به تعبیر این گروه ظاهر بین ، تمام فرهنگ سالاران ، بزرگترین شاعران و عارفان ، باید « کافر » بوده و شاید همین چسپیدن بظواهر و بقول حضرت مولانا « پوست » ظاهر بینان مزور باعث گردیده که فریاد سر سلسله عارفان شاعر بزرگ حضرت سنایی ، تا ابن سینا و ... را بر « دکاندان دین » بلند ساخته و آزادیخواه بزرگ و فقید مولانا خسته ، محق بوده که در مشروطیت سوم ، در اخباری نوشته بود :

**حق به صد حجت و برهان نکند عرض وجود
تا به ارباب عمایم رگ گردن باقی است**

این مقدمه گونه را به این دلیل معقول و ضرور دانستم که :

همین تاجران دین و تیکه داران شریعت از همان ملای لنگ معروف و تا اکنون ، دین مقدس اسلام را در حجاب زنان و ریش مردان خلاصه و با این تزویر جامعه را با فقر مزمن مادی و معنوی مصاب ساخته و بقول شاعر ملی ما ، با شعار :

دز، اله اکبر! عامل فقر زایی و مانع در راه صلح، توسعه و ترقی افغانستان می باشند.

در حالیکه:

بزرگترین افت و مادر تمام مصایب همین فقر است، فقر خطرناکتر از جنگ، کرونا و... و مسبب تداوم همه این افات است.

فقر مادر مصایب اجتماعی و حقیقت آن، بزرگترین فاجعه حقوق بشر است (حقوق بشر که بدست قدرت های جهانی و داخلی شر و فساد در سطح ابزار سیطره تنزیل یافته است)

ارقام سازمان ملل متحد و نهاد های معتبر بین المللی در مورد فاجعه فقر بسیار هولناک و جانکاه است و عامل گسترش فقر همین تفاوت بزرگ آن با ثروت در دست يك اقلیت در مقیاس جهان است. متأسفانه در افغانستان که بیشتر از چهار دهه جنگ تحمیلی را متقبل میگردد و با وجودیکه در دو دهه اخیر از سرازیر شدن صد ها میلیارد دالر صحبت میگردد، زشتترین حالت فقر گسترده و خلیج خوفناک طبقاتی جامعه مصیبت زده

" طراز استبداد آسیایی " را در مرز نابودی قراردادده است.

حسب اعتراف رئیس جمهور افغانستان تا نود فیصد مردم فقر اند و بدون شك بزرگترین « قوم » در کشور ما، فقیران می باشند.

هر سه نوع فقر:

- فقر مطلق

- فقر نسبی

- فقر طبیعی

دامنگیر بیشتر از نود فیصد مردم ما است (در حالیکه افغانستان با داشتن غنایم مادی، در فهرست کشور های « غنی » قرار دارد).

بدینترتیب:

زمانیکه از مصایب بزرگ در افغانستان صحبت میگردد، باید و بخاطر زدودن سایر مصایب خانمانسوز، جنگ، کرونا و... فقر زدایی در سر خط وظایف اساسی ملی قرار داشته باشد.

فقر زدایی در گام نخست مستلزم تغییر در بینش ما از دین و ایین، و تعدیلات اساسی در سطح مادر قوانین (قانون اساسی) است.

اقتصاد دانان بزرگ به علل شکست پروگرام های فقر زدایی زیاد نوشته اند و از دید این قلم عامل بنیادی تسجیل « نظام بازار آزاد » در ماده دهم قانون اساسی است که مقلدانه وبدون در نظر گرفتن شرایط عینی جامعه جنگ زده و در حال جنگ، زمینه نابودی تا شش صد کارخانه و تصدی های دولتی گردیده و در فقدان حاکمیت قانون، با واریز نموده میلیارد ها دالر به عوض بازار آزاد، بازار فساد مستقر و بجای دیموکراسی، کلیتوکراسی در کشور حاکم گردید. (در حالیکه در کشور های مقتدر سرمایه داری همانند جرمنی « بازار آزاد اجتماعی » در قوانین اساسی شان مسجل است).

خلق را تقلید شان بر باد داد
ای دو صد لعنت برین تقلید باد
(مولانا)

این برخورد تقلیدی و شاید از طرف اولیای امور بیرونی آگاهانه باعث گردید که يك اقلیت منفور تاجران دین ، دکانداران قوم ، تیکه داران " جهاد " و جلابان سیاسی دار و ندار کشور و بیت المال را چپاول و اکثریت مردم که بار اصلی افت جنگ را متحمل میشوند با مصیبت فقر ، گرسنگی و بیکاری ، دوزخ را در روی زمین تجربه نمایند :

اگر دستم رسد بر چرخ گردون
از او پرسم که این چون است و این چین
یکی را میدهد صد ناز و نعمت
یکی را قرص جو الوده در خون
(بابا طاهر عریان)

فقر زدایی واقعی در پرتو حاکمیت قانون و تعهد به عدالت اجتماعی میسر میگردد ، که متأسفانه پاشنه اشیل افغانستان :
فقدان حاکمیت قانون ، ضعف صدای عدالت اجتماعی و عدم حضور پاسداران ان است که فاصله ما را با فقر زدایی وسیعتر میسازد .

با حرمت